

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه- کابل

۳۱ اگست ۲۰۲۰



یونس نگاه

سیل کلانی در راه است

سواد بدون فرصت شغلی، حکومتداری خوب و عدالت نسبی ابزار برپادی می‌شود. فرض کنید سواد ابزار کار است، مثل کلنگ و بیل و داس. وقتی به دست نسلی داس بدهید اما زمین زراعتی در اختیارش نگذارید و یا اره بدهید اما کارگاه نجاری میسر نباشد، آن‌گاه هزاران آدم مسلح به کلنگ و داس و اره چه کار خواهند کرد؟ حتماً بیکار خواهند نشست، چیزهایی را اره خواهند کرد، جاهائی را خواهند کند و راهی برای درو کردن خواهند یافت. آنوقت فرض کنید، از مکاتب و دانشگاه‌ها هزاران آدم داس و کلنگ به‌دست وارد جامعه‌ای می‌شوند که باغ و مزرعه‌اش را قومندان‌ها و سیاستمداران قبضه کرده‌اند و هیچ کاری برای امرار معاش و استفاده از مهارت خود ندارند. اما کسانی این وضعیت را فرصت دانسته، دست به‌کار می‌شوند. لشکر بیکار ابزارداران را "هدایت" می‌کنند و راه‌هایی برای استفاده از داس و کلنگ پیش‌روی‌شان می‌گذارند. این آموزگاران مثلاً می‌گویند داس و کلنگ شما نعمت خداوندی است که باید برای آبادی مزرعه آخرت استفاده کنید. هدایت‌شان می‌کند که این جهان آزمون‌گاه موقت است و لازم نیست شما به فکر داشتن باغ و مزرعه باشید. بیائید، خانه دشمنان خدا را با این کلنگ‌ها ویران کنید و گلوی کافران را با داس‌های‌تان ببرید.

داس و کلنگ‌داران می‌پرسند: دشمنان خدا و کافران کی‌ه‌اند؟

هدایت دهنده می‌گوید: دشمنان دور نیستند. خود شماست. نفس شماست. برادران و خواهران شماست.

داس و کلنگ‌داران خواهند پرسید: ما چگونه دیوارهای نفس خود را ویران کنیم و چگونه سر برادران و خواهران خود را درو کنیم؟

هدایت دهندگان خواهند گفت: تفاوت نشانه کفر و عداوت است. هرکسی را که متفاوت از خود دیدید، درو کنید. اگر بینی شما کوتاه است، هر جا بینی دراز دیدید، ببرید. اگر شما دست‌باز نماز می‌خوانید هر جا دست‌بسته دیدید، با کلنگ بزنید. اگر شما بیرق سفید دارید، در هر دستی که بیرق سیاه دیدید درو کنید.

صدها هزار داس‌دار، کلنگ‌دار و اره به‌دست امروز در دسته‌های متخاصم گروه‌بندی شده‌اند، کم‌کم سیل می‌شوند و شاید طوفان بزرگی از خون و ویرانی به‌راه اندازند.

2

شهرنشینی بدون فرصت شغلی، حکومت‌داری خوب و عدالت نسبی پوسیدگی به‌بار می‌آورد. فرض کنید هر شهروند یک نهال است. در طبیعت، هر جا آب و خاک مناسب باشد تعدادی کنار هم می‌رویند، برگ و گل و میوه می‌دهند و زندگی می‌کنند. قریه‌ای در این دامنه، باغی در آن جلگه و تک‌توک درخت‌هایی در شاخ کوه‌ها با مهر و غضب طبیعت خو می‌گیرند.

حال فرض کنید این درخت‌ها به شوق پیوستن به باغستان بزرگ (شهر) دسته دسته به کابل کوچ می‌کنند. اما در باغ کابل، دهقانی نیست که اینان را در فاصله‌های مناسب جابه‌جا کند تا مانع تابش نور آفتاب به‌همدیگر نشوند، آب داشته باشند، راه داشته باشند و در خاک غنی ریشه بگیرند. درخت‌ها غجومک تمام زمین را مثل علف هرزه پر خواهند کرد، از سرودست یک‌دیگر بالا خواهند رفت، همدیگر را خفه خواهند کرد. باغ (شهر) آن‌گاه باتلاق خواهد شد، پر از درخت‌های آفت‌زده، میوه‌های پوسیده، خاک بی‌برکت و آب مسموم.

پنج میلیون اصله درخت و نهال کابل اگر باغبان می‌داشت، تمام حوزه کابل را شاداب می‌ساخت و میوه‌اش به شرق و غرب دنیا سیری و رفاه می‌برد، اما امروز باغستان مسموم و آفت‌زده‌ای شده است که از چین، شبه‌قاره هند، خاور میانه، آسیای میانه، افریقا، اروپا و امریکا حشرات گزنده و حیوانات درنده را جلب می‌کند.

3

سواد و شهرنشینی اما در شهرها محدود مانده و در روستاها نیز رخنه کرده است. میلیون‌ها انسان داس‌دار بی‌مزرعه و شهروندان معلق بین ریشه‌های سنت و شاخه‌های مدرنیته در حال پوسیدن‌اند. وقتی سد موقت امریکا و ناتو برداشته شود، سیلاب‌هایی که امروز در هر دره جریان دارند، و نسبتاً پراکنده‌اند، به‌هم خواهند پیوست و طوفان دیگری به راه خواهد افتاد.

آیا سیلاب‌گیرهای وطنی ساخته خواهد شد؟ آیا کسانی برای جلوگیری از بربادی بی‌سابقه‌ای که در راه است آستین برزده به باغبانی، آفت‌زدائی و سم‌زدائی همت خواهند کرد؟

4

در کابل و دامنه‌های شمالی پوسیدگی وحشتناکی دیده می‌شود. عکس‌های ضمیمه نمونه واکنش باسوادان شهری و دهاتی، به خصوص ساکنان شمالی و شمال‌شرقی کشور، به یک حرکت نمادین گروهی از هموطنان‌شان در بامیان است. تنها داس‌به‌دستان بی‌باغ نیستند، آفت به گروه بزرگی از کسانی که مصروف کار در ادارات‌اند، در مکاتب و دانشگاه‌ها کار می‌کنند، از مؤسسات معاش‌های بلند می‌گیرند، نیز سرایت کرده است.

روزنامه هشت صبح خبر کوتاهی از شمع‌افروزی در بامیان در همدردی با سیلاب‌زدگان نشر کرده، در زیر آن کسانی مثل خانم رؤیا حیدری شمع‌افروزی را زشت خوانده‌اند. حتی کسانی گفته‌اند که بامیانی‌ها و امثال‌شان دلیل خشم خداوند اند. خانم حیدری که عکس دختران زردموی غربی را در پروفایل خود گذاشته و عکس خود یا خانم دیگری را {دوستی نوشته است که عکس از خود او نیست} که روی فرش سرخ کنار فوزیه کوفی خندان ایستاده در فضای مجازی نشر

کرده است، نیز شمع‌افروزی را بد دانسته است. ظاهر او /کسی که کنار فوزیه کوفی ایستاده، زیباست: چادرش نصف موی زیباییش را پوشانده و نصف دیگرش دور گردن سفیدش آشکار است. آستین‌ها را نیز تا نزدیک آرنج برزده است تا ساعدهای رواش مانندش نمایان باشند، اما ذهنش چنین نیست. او را مثال آوردم که بگویم پوسیدگی به آن مردهای ریشوئی که چشمان خسته و گونه‌های فرورفته دارند (در سراپای‌شان روان‌پریشی دیده می‌شود) محدود نیست. دختران خوش‌روی شیک‌پوش، مأموران نیکتائی‌دار، مدیران دالرگیر و تاجران میلیونر نیز به این آفت گرفتارند. دیگران را گمراه می‌گویند، اما خودشان نماد کامل گمراهی هستند. در زندگی مادی تا گلو در فیشن، مادی‌گرایی، سودخواهی و گاه دزدی و غارت گیراند، اما ذهن و زبان‌شان پر از اوراد تکفیری و بنیادگرایی است. اینان واقعاً آفت بزرگانند.

5

تقصیر از کیست؟

درین تقصیر خیلی‌ها دخیل‌اند: امریکا، پاکستان، کشورهای عربی، ایران، سیاست‌مداران و رهبران جهادی، لیبرال‌ها و تکنوکرات‌های از غرب آمده و خیلی‌های دیگر. اما، تقصیر اصلی از اپوزیسیون و منتقدانی چون من و شماست. ما گروه فریب‌خورده و عافیت‌طلب پرمدعا در بیست سال گذشته هیچ کار سازنده انجام ندادیم. انسجام نیافتیم، آگاهی‌دهی نکردیم، خطر نکردیم، با نیروهای هم‌سوی خود متحد نشدیم. گروه گروه به غرب پناه بردیم، اگر در کشور ماندیم در چوکی‌های اداری لمیدیم، معاش گرفتیم و حاضری امضاء کردیم. باید این وضعیت تغییر کند. باید باهم در برابر این سیل بیایستیم.